

## نقد روانشناختی سبک زندگی حضرت مریم(س) "با رویکردی به نظریه پنجگانه رولان بارت"

شهلا شکیبایی فرا<sup>۱</sup>

### چکیده

**هدف:** از آنجا که مقاله حاضر در چارچوب نظریه پنجگانه بارت و با تکیه بر تحلیل سطوح و لایه‌های متعدد رمزگانی به نقد روانشناختی داستان قرآنی مریم می‌پردازد. لذا هدف از انجام این مقاله تبیین ابعاد گوناگون نظام ارتباطی و معنایی نشانه‌ها در قصه یاد شده است.

**روش‌شناسی:** پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر از نوع توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش آیات ۱۶ تا ۴۰ سوره مریم است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش بیانگر آن است در هریک از آیات می‌توان این پنج نظام رمزگانی را تبیین نمود: هرمنوتیک که با طرح معماهای گوناگون تحلیل متن را میسر می‌سازد؛ کنشی، با تعدد پی‌رفت‌های روایی مرتبط است؛ معنایی، به اکتشاف معانی ضمنی می‌پردازد؛ نمادین، تقابل دوگانه عناصر روایت را بیان می‌کند و فرهنگی بیانگر ایدئولوژی حاکم بر داستان است. علاوه بر این دو رمزگان هرمنوتیک و کنشی سبب پیشبرد فرم روایی و سه رمزگان معنایی، نمادین و فرهنگی استخراج لایه‌های باطنی متن را میسر می‌نمایند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان داد که رویکرد بارت، کثرت دلالتی داستان را در موقعیت‌های متفاوت پاسخ می‌دهد. بر اساس این نظریه، قصه مذکور، شبکه‌ای باز از لایه‌های گوناگون معنایی است و هریک از این لایه‌ها به طور ضمنی تصویرگر حالات روانی اشخاص داستان می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** نقد روانشناختی، نشانه‌شناسی لایه‌ای، رمزگان، بارت، قرآن، داستان مریم(س).

<sup>۱</sup> - مربی گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، زاهدان، ایران . Shahlashakibae@yahoo.com

قرآن کریم اساسی‌ترین منبع شناخت دین و هدایت بشریت است. لازمه جاودانگی و اعجاز این متن وحیانی برخورداری از ساحات گوناگون و لایه‌های ژرف معنایی است، زیرا از یک سو با گذشت زمان پرسش‌هایی مطرح می‌شود که نمی‌توان از ظاهر آیات پاسخ آن را دریافت و از سوی دیگر بیان همه معارفی که منجر به سعادت بشر می‌شود، در قالب الفاظ محدود قرآن امکان‌پذیر نیست. از آنجا که نشانه‌شناسی لایه‌ای دگرگونی‌های عمیقی را در زمینه مطالعات دینی به وجود آورده و زمینه را برای تحلیل گسترده متون مقدس در بستر تعاملی چندسویه میان نظام‌های نشانه‌ای و لایه‌های متنی متعدد که دربردارنده شبکه پیچیده‌ای از روابط دلالتی می‌باشد، فراهم نموده‌است، با تکیه بر آن می‌توان با روشی عینی، عملی و نظام‌مند به تفسیر نظام رمزگانی قرآن پرداخت، از سوی دیگر با کشف لایه‌ها و سطوح معنایی پنهان در اعماق متن، اسباب شکوفایی استعدادهای نهفته و فعلیت بخشیدن به مضمون را فراهم آورد (قائمی نیا، ۱۳۸۶: ۱۵۱).

داستان مریم (س) همچون دیگر قصص قرآنی از سطوح مختلف زیبایی‌شناسی تشکیل شده‌است. به منظور تحلیل این سطوح می‌بایست معانی صریح و ضمنی متن را از چشم‌اندازهای گوناگون مورد توجه قرارداد. از جمله رویکرد‌هایی که می‌تواند در تبیین لایه‌های معنایی این داستان، راه‌گشا باشد، الگوی رولان بارت است که در قالب کشف و بررسی معانی پنج نوع از رمزگان‌ها محقق می‌شود و در زمینه تحلیل متون باز، به ویژه متون دینی از ظرفیت درخور توجهی برخوردار است. در مقاله حاضر سعی بر آن است که با به کارگیری این رویکرد، میان مباحث زبانی و روانشناختی قصه مریم (س) پیوندی برقرار شده و به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که نظریه بارت چگونه می‌تواند با تکیه بر لایه‌های دلالتی حالات روحی روانی موجود در این قصه را تبیین نماید؟ برخی از مهمترین مقالاتی که درباره تحلیل سوره مریم نگاشته شده عبارتند از: گفتمان سوره مریم، زن در تعامل با عرف و عفاف" (۱۳۹۲) از علی‌رضا محمد رضایی و فاطمه اکبری‌زاده در نشریه فلسفه و دین که به تحلیل گفتمان آیات ۱۶ تا ۳۲ این سوره پرداخته‌است. "اسرائیلیات داستان حضرت مریم و عیسی(ع) در تفاسیر فریقین با تاکید بر بحارالانوار" (۱۳۹۴) از فائزه خسروی و وحیده رحیمی در فصلنامه دانشگاه قم که با تکیه بر تطبیق متن بحارالانوار با تفاسیر فریقین، احادیث اسرائیلی داستان مریم و عیسی را استخراج نموده‌است. نظریه‌این که تاکنون پیرامون نشانه‌شناسی لایه‌ای داستان قرآنی مریم پژوهشی صورت‌نگرفته، نگارنده تلاش نموده‌است، با تکیه بر رویکرد پنج‌گانه رولان بارت ضمن کشف لایه‌های معنایی متعدد و ژرف این داستان، دریچه‌ای نوین را برای فهم قرآن پیش روی عالمان دین بگشاید.

## روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق آیات ۱۶ تا ۴۰ سوره مریم است که بر اساس نظریه پنج‌گانه رولان بارت که می‌توان آن را نوعی نشانه‌شناسی لایه‌ای دانست، مورد تحلیل قرار گرفته‌است. نشانه‌شناسی از جمله رهیافت‌های نوین در نقد ادبی به شمار می‌رود. این دانش را می‌توان بررسی نشانه‌ها و فرآیندهای تاویلی، یافتن مناسبت میان دال و مدلول همچنین مطالعه نظام‌مند همه عواملی دانست که در تولید و تفسیر نشانه یا دلالت شرکت دارند (مکاریک، ۱۳۹۳: ۳۶).

نشانه‌شناسی لایه‌ای که از زیر شاخه‌های نظام نشانه‌شناسی است، کارکرد ارتباطی و دلالتی نشانه‌ها را از منظر نظام‌های متکثر و چندبعدی بررسی می‌نماید. در چارچوب این دانش، متن حاصل هم زیستی رمزگان‌های اصلی و فرعی بسیاری است که در تعامل و تقابل با یکدیگر لایه‌های متعددی را برای فهم متن تشکیل می‌دهند به گونه‌ای که شاید برخی در مقایسه با دیگر لایه‌ها اصلی‌تر به نظر برسند، اما در دلالت متن، همه می‌توانند به یک اندازه اثرگذار باشند. ( سجودی، ۱۳۸۳: ۱۴۶-۱۵۸).

یکی از شاخص‌ترین چهره‌های نشانه‌شناسی و منتقدان دهه ۱۹۶۰ در فرانسه، رولان بارت است. او نشانه‌شناسی را الگویی برای خلق معنا در نظام نشانه‌ها می‌داند. خواستگاه نشانه‌شناسی او دیدگاه سوسور است. با این تفاوت که سوسور فقط معانی صریح نشانه‌ها را بررسی نموده، اما بارت به معانی ضمنی توجه کرده و این باور را برجسته نموده‌ است که یک نشانه ممکن است زنجیره‌ای از معانی ضمنی را نیز در بر داشته باشد (عبداللهیان، حسنی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

الگوی پنج‌گانه بارت یکی از برترین مدل‌هایی است که از سوی نشانه‌شناسان برای تحلیل متن ارائه شده‌ است. به عقیده بارت هر متن از به هم بافته شدن پنج گروه رمزگان برای ایجاد دلالت‌های متنی ساخته می‌شود. این رمزگان‌ها عبارتند از: هرمنوتیک، کنشی، نمادین، معنایی و فرهنگی (بارت، ۱۹۷۴: ۱۷-۱).

## یافته‌ها

بر اساس نظریات بارت می‌توان گفت داستان قرآنی مریم متشکل از لایه رمزگانی ذیل است: رمزگان هرمنوتیک: این رمزگان واحدی است که نقش آن طرح پرسش و پاسخ به شیوه‌های مختلف است و طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی را شامل می‌شود که می‌توانند معمایی را ایجاد نمایند، پاسخ آن را به تاخیر بیندازند و در عین حال آن را گره‌گشایی نمایند؛ (هاوکس، ۲۰۰۴: ۹۴). به باور بارت هر متن از یک معمای اصلی که اساس و شالوده‌ی داستان بر آن بنا می‌گردد، همچنین تعدادی سوال فرعی که تحت الشعاع سوال اصلی قرار می‌گیرند، تشکیل می‌شود (بارت، ۱۹۷۴: ۱۷).

در داستان قرآنی مریم، هر جمله یک واحد خوانشی است که بر معمایی دلالت می‌کند. جملات به نحوی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که زنجیره‌ای از رمزگان‌های هرمنوتیک به هم پیوسته را مطرح می‌نمایند. اگرچه روایت بر محور یک پرسش اصلی شکل می‌گیرد، اما سوال‌های فرعی متعددی نیز مطرح می‌شوند که به تدریج از آن‌ها رمز گشایی می‌شود و در نهایت با سوال اصلی پیوند می‌یابند. این رمزگان به طور ضمنی بیانگر حالات اضطراب، خشم و راهکارهایی برای از میان بردن این حالات می‌باشد:

اضطراب: داستان با طرح یک معما آغاز می‌شود؛ آن‌گاه که فرشته خدا بسان مردی تنومند در خلوتگاه مریم مجسم می‌گردد و از باردار شدن این بانوی بزرگوار و تولد فرزندی پاک خبر می‌دهد، از آن‌جا که مریم(س) تنها به اسباب طبیعی فرزنددار شدن می‌اندیشد، با شنیدن این خبر هراسان و مضطرب از جبریل می‌پرسد:

" قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَ لَمْ يَمْسَسْنِي بَشْرٌ وَ لَمْ أَكُ بِغَيِّاً " (مریم: ۲۰)

حضرت مریم (س) در پرسش خود واژه ی آنی را به کارگرفته تا با تکیه بر حرف مد نهایت شگفتی خود را از تولد خارق‌العاده فرزندش بیان دارد (حسنعلیان، ۱۳۸۹: ۱۴۱). بدین ترتیب اصلی‌ترین رمزگان هرمنوتیک که سبب شکل‌گیری پرسش‌های دیگر می‌شود، در ابتدای داستان شکل می‌گیرد: چگونه ممکن است بدون آمیزش صاحب فرزند شوم؟ اگرچه پاسخ به این معما با اندکی تعلیق همراه است، اما دیری نمی‌پاید که توسط فرستاده ی خداوند گشایی می‌شود: " قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ هَيِّنٌ عَلَيَّ وَ لَنَجْعَلَنَّ آيَةً لِلنَّاسِ " (مریم: ۲۱)

خشم: با گسترش فرایند روایی داستان، سوال دیگری مطرح می‌شود: واکنش مردم در برابر روزه ی سکوت و درخواست مریم برای سخن گفتن آنها با کودک چه خواهد بود؟

"فَأْتَتْ بِهٖ قَوْمَهَا تَحْمِلُہٗ ... فَأَشَارَتْ اِلَيْهٖ قَالُوْا كَيْفَ نُوَكِّلُکُمْ مِّنْ کَانَ فِی الْمَهْدِ صَبِيًّا" (مریم: ۲۷-۲۹) در این آیه ی شریفه، استفهام انکاری است؛ هنگامی که حضرت مریم با اشاره از قوم خود درخواست نمود که با طفل سخن بگویند، آنان خشمگین شده، تعجب و انکار نمودند که چگونه انتظار پاسخ‌گویی از نوزاد را داشته باشند؟ چگونه از او سوالات خود را بپرسند؟ نقل شده از شدت خشم گفتند: " اینکه ما را به سخره می‌گیرد، از عمل زشت زنایش بر ما سخت‌تر و دردناک‌تر است" (فخر رازی، بی تا: ۲۰۸)

" قَالَ اِنِّیْ عَبْدُاللهِ اَتَانِی الْکِتَابَ وَ جَعَلَنِی نَبِيًّا وَ جَعَلَنِی مَبْرُکًا" (مریم: ۳۰-۳۱) عیسی(ع) به اذن خداوند لب سخن می‌گشاید. وی هنگام پاسخ‌گویی به آنان کلام خود را با جمله " انی عبد الله" آغاز می‌نماید تا به عبودیت خود برای خدا اعتراف نماید و حجت را بر غلو کنندگان تمام سازد.

رمزگان کنشی: این نوع رمزگان معطوف به کنش و اثرات آن است به عبارت دیگر زنجیره‌ای از کنش یا رویدادها را در بر می‌گیرد که با تغییر رفتار شخصیت‌های داستان در ارتباط است، کل فرآیند روایت را به پیش می‌برد و کنش شخصیت‌ها را به صورت توالی پی‌رفت‌های روایی سازمان می‌دهد، برای هر پی‌رفت اصطلاح عامی در نظر می‌گیرد که کارکرد راهبردی آن را نشان می‌دهد (مکاریک، ۱۳۹۳: ۱۸۳). بنابراین هر جا واحدی در داستان به ما نشان دهد که داستان و توالی کنش‌ها چگونه پیش می‌روند، با این رمزگان مواجه هستیم. (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۴۱).

در داستان قرآنی مریم، پی‌رفت‌ها به طور ملموسی به یکدیگر وابسته هستند، به‌گونه‌ای که هر یک از آن‌ها با پی‌رفت پیش از خود ارتباط معناداری دارد و از هر کنش، کنش بعدی به ذهن متبادر می‌شود. این پی‌رفت‌های روایی عبارتند از:

۱- دوری‌گزیدن مریم از خویشاوندانش در جانب شرقی مسجد؛ ۲- گفتگوی بین مریم و جبرئیل؛ ۳- تولد کودک ۴- رویارویی مریم و قوم بنی اسرائیل؛ ۵- گفتگوی کودک با قوم بنی اسرائیل.

رمزگان معنایی یا دالی: رمزگان معنایی دربرگیرنده معانی ضمنی و دلالت‌های ویژه‌ای است که از عناصر مختلف روایی متن مانند واژگان، تعابیر و جملات برداشت می‌شود. البته بیشتر بر دلالت‌های روانی، احساسی

و خصلت‌نما از قبیل شجاعت، ترس، اندوه و ... تاکید می‌کند. با تکیه بر این رمزگان شیوه‌ای در اختیار مخاطب نهاده می‌شود که خصوصیت افراد یا کنش‌ها را بر اساس نظامی از نمادها و نشانه‌ها استنتاج کند. (مکاریک، ۱۳۹۳: ۱۳۹). مجموع این دلالت را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: معانی ضمنی جملات و دلالت ضمنی اسم‌ها.

معانی ضمنی جملات: گروه نخست دربردارنده آن دسته معانی است که به طور ضمنی از بافت کلی یک یا چند جمله برداشت می‌شود، از جمله وصفی که از احساس اندوه مریم، در هنگام وضع حمل ارائه شده است:

"قَالَتِ يَا لَيْتَنِي مَتَّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ نَسِيًا مَنَسِيًا" (مریم: ۲۳) طیف واژگان به‌کاررفته در این آیه و موسیقی برخاسته از اصوات بیانگر فضایی سرشار از اندوه است. به کارگیری مکرر دو حرف تاء و سین که از حروف مهموس هستند، نوعی حالت سستی و ضعف را القا می‌کند. به ویژه سکونی که بر سین عارض شده، این حالت را تقویت نموده و بدین نکته اشاره دارد، هنگامی که آلام آن بانو به غایت رسید، سخنانش را بریده بریده و با صدایی بسیار ضعیف ادا می‌نمود.

مسرت و آرامش خاطر از دیگر دلالت‌های ضمنی این داستان است و با آن بخش از متن در ارتباط است که پس از تولد مسیح (ع)، طوفانی از اندوه وجود مریم را فرا می‌گیرد، آن گاه ندایی از جانب حق، او را به شادمان بودن فرا می‌خواند:

"فَكَلَّمْنِي وَ اشْرَبْنِي وَ قَرَّيْنِي عَيْنًا" (مریم: ۲۶) در این آیه دو فعل کلی و اشربی به طور ضمنی به نیک بختی و شادکامی دلالت می‌کنند، زیرا کسی که گرفتار مصیبتی شده هرگز نمی‌تواند از خوردن و آشامیدن لذت ببرد. عبارت "قَرَّيْنِي عَيْنًا" نیز کنایه از مسرت است. از آن جا که اشک شادی سرد ولی اشک اندوه گرم است، در زبان عربی هنگام شادمانی گفته می‌شود؛ قرء العین و در هنگام غم و ناراحتی می‌گویند؛ سخنة العین (فخر رازی، بی تا: ۲۳۷) علاوه‌براین به واسطه هم‌نشینی سه فعل امر "کلی"، "اشربی" و "قَرَّيْنِي عَيْنًا" نوعی ضرب‌آهنگ سریع در آیه حاصل می‌شود که شور و هیجان را به مخاطب القا می‌کند.

دلالت ضمنی اسم‌ها: بخش دیگری از رمزگان معنایی در این داستان به واسطه دلالت ضمنی اسم‌ها شکل گرفته است. از آنجا که ذکر معانی غیر مستقیم تمامی واژگان به اطلاع می‌انجامد، به اختصار به بررسی ارتباط معنایی دو واژه مریم و روح که از شخصیت‌های اصلی داستان هستند، پرداخته می‌شود.

مریم: این اسم علم از جمله دال‌هایی است که می‌تواند به عنوان یکی از رمزگان‌های معنایی در داستان مطرح شود. پیرامون معنای این اسم و ریشه آن هم‌اندیشی وجود ندارد. فرهنگ لغت المحيط این لفظ را اسمی سریانی، به معنی بانوی بلند مرتبه به شمار آورده‌است، یا آن را از جمله واژگان عربی می‌داند که از فعل رام یریم به معنی مداومت و پایداری مشتق شده، البته ممکن است یک اسم مرکب، متشکل از دو جزء

مَرّ و یم، باشد که در این صورت به معنای تلخی دریا اطلاق می‌شود (البستانی، ۱۹۸۷: ۸۴۸) و در لغت‌نامه دهخدا به معنی هر زن پارسایی که حدیث مردان را دوست دارد، به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۷۳۳). ساختار معنایی داستان بیانگر آن است که دو مفهوم پایداری و تلخی دریا بیش از سایر معانی یاد شده، ارتباط ویژه مریم را با روایت نشان می‌دهند؛ اگرچه سایر وجوه نیز بی ارتباط با متن نیستند. می‌توان گفت مضمون پایداری بدین علت با شخصیت مریم مطابقت دارد که آن حضرت از سویی به طور مداوم به راز و نیاز به درگاه حق مشغول بود، از سوی دیگر در تحمل رنج‌هایش پایداری می‌ورزید و تلخی دریا هم تصویرگر مصائب بیشماری است که به سبب تولد مسیح بر او وارد آمد.

روح: پیرامون ریشه و معنای این کلمه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: لغت‌شناسان بر این باورند که از واژه ریح مشتق شده، به معنای نسیم یا جریان هوا می‌باشد، گاه در عناصر مادی و گاه در امور معنوی جریان می‌یابد (البستانی، ۱۹۸۷: ۳۵۷). این لفظ در عهد قدیم و جدید گاهی در معنی حقیقی، به عنوان عامل زندگی در انسان و جهان به کارفته است و گاهی در معنی مجازی استفاده شده است (هاکس، ۱۳۷۷: ۴۲۴). و در قرآن در معانی و مصادیق گوناگونی همچون دین، وحی، قرآن، جبرئیل، عیسی، رحمت، روان انسان و... به کار رفته است (البستانی، ۱۹۸۷: ۳۵۸).

بافت روایی داستان بیانگر آن است که از میان وجوه ذکر شده، مناسب‌ترین مفهومی که مرتبط با واژه روح می‌باشد، جبرئیل است. درباره اینکه چرا جبرئیل (ع) را در قرآن "روح" نامیده‌اند، مفسران اقوال گوناگونی را ذکر کرده‌اند از جمله: بیان عظمتش بر سایر فرشتگان، تعلق به عالم مجردات، تکوین بدون ولادت، آفرینش از هوایی نورانی و لطیف، وسیله افاضه حیات در انسان و احیای شریعت (فخر رازی، ۱۴۱۷: ۵۹۶). رمزگان نمادین: به طور ساده این رمزگان عبارت از این است که چگونه یک متن به واسطه تقابل دوگانه میان اشخاص یا اشیا سامان می‌یابد، به بیان دیگر رمزگان نمادین، الگوهای متضادی را گرد می‌آورد که به روایت معنی می‌دهد (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷). می‌توان گفت، رمزگان یادشده، علاوه بر آن که موجب بازگشت پذیری و چند ظرفیتی بودن متن می‌شود، امکان تفسیر رموز غیر قابل پیش‌بینی و تامل در لایه‌های معنایی روایت را هم فراهم می‌آورد (بارت، ۱۹۷۴: ۱۹).

در داستان قرآنی مریم (س) گروه‌های رمزگانی متعددی در قالب جفت‌های متضاد، قابل تشخیص هستند. گروه نخست رمزگان‌هایی هستند که بیانگر تقابل عالم مجردات در برابر عالم ماده بوده و از دریچه دو واژه روح و بشر قابل مشاهده است:

"فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا" (مریم: ۱۷) جبرئیل (ع) از جنس فرشته و نوع سوم موجودات ذوی العقول است که دارای ماهیتی روحانی می‌باشد. می‌توان گفت این فرشته خدا در حواس بینایی مریم به شکل انسان ظاهر شد، زیرا اگر در هیئت اصلی خود ظاهر می‌شد، آن بانو به



شدت دچار ترس می‌شد و نمی‌توانست با او سخن بگوید. از سوی دیگر تمثیل جبرئیل به شکل انسان ممکن است ابزاری برای سنجش پاکدامنی مریم(س) باشد (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۴۷).

دسته‌ای دیگر رمزگان‌هایی هستند که به طور نمادین از تقابل پاکی و ناپاکی سخن می‌گویند. قرارگیری واژه هارون در برابر الفاظ فری و بغی به وضوح بیانگر تحقق این نوع از نماد است، آن‌جا که قوم بنی اسرائیل با مشاهده کودکی که در آغوش مریم است، زبان به نکوهش او می‌گشایند:

" فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئاً فَرِيّاً يَا أختَ هَارُونَ مَا كَانَ أبوكَ امرءَ سوءٍ و ما كانتَ أمّكَ بغياً " (مریم: ۲۷-۲۸)

فری به معنای امر نوظهور و عظیم است، همچنین کنایه از عمل قبیح بوده و نماد ناپاکی به شمار می‌رود. حال آن‌که هارون رمز پاکی و تدین است. او پدر پرده‌داران بنی اسرائیل و شخص بسیار صالحی بود که افراد پرهیزکار را بدو نسبت می‌دادند (فخر رازی، ۱۴۱۷: ۵۱۲).

رمزگان فرهنگی: رمزگان فرهنگی واحدی است که به بازگشایی دلالت‌های فرهنگی می‌پردازد و با بهره‌گیری از علوم متعددی همچون فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... نوعی شناخت کلی از فضای ایدئولوژیکی داستان به دست می‌دهد. (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۴۰-۲۴۱) این رمزگان مرجع ارجاع متن به بیرون بوده و به نوعی معادل سومین سطح تحلیل روایت است که معنایی گفتمانی دارد. از این رو می‌توان آن را اساس یک گفتمان که دارای مرجعیتی علمی یا اخلاقی است، قرار داد. (صیفی، سلامی، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

رمزگان فرهنگی این داستان بیش از هر چیز بر محور تحلیل و بازگویی قضیه جهان‌بینی اسلامی و دو رکن اساسی آن یعنی توحید و نبوت می‌گردد. از آن‌جا که نخستین اصل جهان‌بینی اسلامی، توحید است، به منظور تبیین این اصل و درجات متعدد آن، از مفاهیمی استفاده شده که به هستی‌شناسی مبدا آفرینش می‌پردازند و به نحوی با علم خداشناسی در ارتباط هستند. از جمله مراتب توحید که در قصه قرآنی مریم(س) قابل بررسی است، می‌توان به توحید صفاتی اشاره نمود.

" قال رَبُّكَ هُوَ عَلِيٌّ هَيْئاً " (مریم: ۲۱) قضیه توحید صفاتی در این آیه با تکیه بر صفت مشابهه هین که دلالت بر ثبوت قدرت برای خداوند دارد، همچنین تقدیم جار و مجرور "علی" بر "هین" که نشان دهنده حصر و تخصیص قدرت به ذات لایتناهی پروردگار است، بیان شده است.

در ادامه آیه آن‌جا که جبرئیل از تحقق قطعی اراده الهی در میلاد مسیح سخن می‌گوید؛ مسئله توحید افعالی که مستلزم اعتقاد به فاعلیت مطلق خداوند و استقلال او در اداره امور هستی، با تمامی سنن و عللش می‌باشد، بیان شده است:

و لنجعلهُ آیهً للناسِ و رحمةً و كانَ امرأً مَقْضِياً " (مریم: ۲۱) جمله " لنجعلهُ آیهً للناسِ و رحمةً " به طور ضمنی دلالت بر صفت حکمت می‌نماید که از اوصاف فعلی خداوند و لازمه یگانگی او در اعمالش می‌باشد. می‌توان گفت، جمله یاد شده ممکن است، عطف بر علل و اغراض محذوف دیگری باشد. این عوامل بدان

جهت در آیه ذکر نشده اند که نشان دهند، خلقت این پیامبر دارای چنان حکمت گسترده‌ای است که در کلام نمی‌گنجد.

از دیگر رمزگان‌های فرهنگی این داستان در رابطه با جهان‌بینی اسلامی می‌توان به توحید در پرستش اشاره نمود. این رمزگان در آن بخش از داستان ذکر شده‌است که عیسی(ع) به اذن خداوند لب به سخن می‌گشاید. او در کلامی بسیار فصیح به مسئله عبودیت خود در برابر پرودگار اشاره نموده‌است، به گونه‌ای که هرگونه خرافه‌ای را از آن طرد می‌نماید:

"قالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ" (مریم: ۳۰) می‌توان گفت آیه یاد شده به نفی پدیده تجسد که از آموزه‌های اساسی دین مسیحیت است، می‌پردازد. مطابق این آموزه ذات عیسی(ع) در آن واحد متشکل از دو حالت است: الوهیت و انسانیت. او حقیقتاً خدا و حقیقتاً انسان است. این دو حالت اگر چه با یکدیگر ترکیب نشده؛ اما قابل تفکیک هم نیستند (ایمانی، ۱۳۹۲: ۴) ذکر این آیه در قالب جمله اسمیه، همچنین قرارگیری حرف مشبّهة بالفعل "إنّ" در آغاز کلام، بیانگر تاکید بر یگانگی خداوند در امر پرستش و قطعیت بندگی عیسی در برابر او می‌باشد.

نبوت از دیگر واحدهای فرهنگی مطرح شده در این قصه می‌باشد که لازمه جهان‌بینی اسلامی است و پیوندی ناگسستنی با رکن توحید دارد. این اصل از نوعی بینش درباره جهان و انسان ناشی می‌شود و دربردارنده اصل هدایت عامه در سراسر هستی است (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۰). عیسی(ع) در ادامه سخنان خود، پس از آنکه خود را بنده خدا می‌خواند، از مقام نبوت خویش و ویژگی‌های آن از جمله اوالعزم بودن، هدایت، عصمت از گناه و ... سخن می‌گوید: "أتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا وَ بَرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي شَقِيًّا" (مریم: ۳۰-۳۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## بحث و نتیجه گیری

داستان قرآنی مریم(س) همچون دیگر قصص قرآنی از لایه‌های بی شمار بیرونی و درونی تشکیل شده‌است. لایه‌های بیرونی با استفاده از تفسیر بینامتنی و توجه به روابط معناشناختی کشف می‌شوند و لایه‌های درونی با تکیه بر روش درون‌متنی، بر اساس روابط هم‌نشینی و جان‌نشینی میان رمزگان‌ها استخراج می‌شوند. درهم‌تنیدگی دلالت‌ها و تعدد سطوح رمزگانی از مهم‌ترین ویژگی لایه‌های درونی این داستان است. مراد از درهم‌تنیدگی دلالت‌ها این است که دلالت‌های گوناگون متن در هم فرو رفته‌اند و با هم درگیر هستند و تعدد لایه‌های دلالتی نشان می‌دهد، متن از لایه‌های گوناگونی که معمولاً به عنوان معانی باطنی یا طولی به شمار می‌روند، تشکیل شده‌است.

همچنین پژوهش نشان می‌دهد که متن داستان یادشده، شبکه‌ای باز از لایه‌های متعدد رمزگانی است. هر لایه علاوه بر آن که ارتباط تنگاتنگی با لایه‌های دیگر داشته، از دلالت‌ها و معانی ضمنی بی‌شماری تشکیل شده‌است که به واسطه آن از سویی بازخورد هم‌زمانی متن را در عصر کنونی نشان می‌دهد و از سوی دیگر پایان ناپذیری معانی قرآن را به نمایش می‌گذارد. کشف پنج لایه دلالتی بارت: هرمنوتیک، معنایی، نمادین، کنشی و فرهنگی، نشان می‌دهد که دو رمزگان هرمنوتیک و کنشی در خدمت فرم روایی داستان می‌باشد و سه رمزگان دیگر با عبور از مفاهیم سطحی به لایه‌های معنایی درونی راه یافته و فهم معانی پنهان و باطنی را میسر می‌سازند. رمزگان هرمنوتیک به کشف معمای اصلی داستان و گره‌گشایی آن پرداخته، همچنین تعدادی سوال فرعی را که پیوندی ناگسستنی با پرسش اصلی دارد، طرح می‌نماید. رمزگان معنایی علاوه بر دلالت ضمنی جملات که غالباً بیانگر عواطف و حالات روحی حاکم بر فضای متن است، دلالت اسم‌ها را هم در بر می‌گیرد. اسامی مریم و روح که از منظر لغوی ارتباط عمیقی با داستان دارند، از جمله رمزگان‌های معنایی این داستان به شمار می‌روند. رمزگان نمادین در قالب گروه‌های متضاد قابل تشخیص است. از برجسته‌ترین این گروه‌های متضاد می‌توان به تقابل عالم مجردات در برابر ماده، پاکی و ناپاکی اشاره نمود. کنش‌های این قصه در قالب پی‌رفت‌های روایی و به گونه‌ای مطرح شده‌اند که هر پی‌رفت ارتباط معناداری با پی‌رفت ماقبل خود داشته و به شکل ملموسی به یکدیگر وابسته‌اند. رمزگان فرهنگی داستان از نوع ایدئولوژیک بوده و با علومی از قبیل هستی‌شناسی فلسفی و خداشناسی در ارتباط است و به تبیین جهان بینی اسلامی و دو رکن اساسی آن یعنی توحید و نبوت می‌پردازد.

منابع

- قرآن کریم.
- آلن، گراهام، (۱۳۸۵)، رولان بارت، ترجمه ی پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- احمدی، بابک، (۱۳۹۳)، ساختار و تاویل متن. تهران: مرکز.
- ایمانی، افسانه، (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی تجسد در مسیحیت کاتولیک با تمثیل در اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.
- البستانی، المعلم بطرس، (۱۹۸۷)، محیط المحيط قاموس المطول للغه العربیة، بیروت: مکتبه لبنان.
- حسنعلیان، س، (۱۳۸۹)، بررسی سبک شناسانه سوره مریم، نشریه قرآن شناخت. دوم پیاپی ۶. صص ۱۳۱-۱۶۴.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. ج ۱۳. تهران: دانشگاه تهران.
- سجودی، فرزانه، (۱۳۸۳)، نشانه شناسی کاربردی، تهران: قصه.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۶۰). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۴، قم: دار العلم.
- صفیئی، ک.، سلامی، م، (۱۳۹۰)، توضیح و معرفی متدولوژی رمزگان پنجگانه بارت با نمونه عملی از نمایشنامه فیزیکدان ها اثر فریدریش دورنمات، فصلنامه مطالعات نقد ادبی، دوره ۶. شماره ۲۴. صص ۱۹۹-۲۲۱.
- عبداللهیان، ح حسنی، ح. (۱۳۸۸)، کاربرد و رویکرد رولان بارت برای تحلیل نشانه شناختی، بازنمایی گفتمان ایرانی در آگهی‌های تجاری تلویزیونی در ایران، فصل نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۴۷. صص ۱۵۹-۱۲۵.
- فخر رازی، محمد، (۱۴۱۷)، تفسیر کبیر، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قائمى نیا، ع، (۱۳۸۶)، دانش نشانه شناختی و تفسیر قرآن، نشریه قرآن و علم، شماره اول، صص ۱۳۷-۱۶۰.
- قائمى نیا، ع، (۱۳۹۳)، بیولوژی نص (نشانه شناسی و تفسیر قرآن کریم)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مکاریک، ایرنا ریما، (۱۳۹۳). دانشنامه نظریه های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی : جهان بینی توحیدی. ج ۲. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی : وحی و نبوت، ج ۳، تهران: صدرا.
- هاکس، جیمز، (۱۳۷۷). قاموس کتاب مقدس، ترجمه اسماعیل صدیقی نوذری، تهران: اساطیر.